



Immunity of State Officials in International Judicial Opinions and the International Law Commission's Draft

Seyedeh Parisa Mirabi 

Ph.D Student, International Law, Department
of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad
University, Najafabad, Iran

Masoud Raei* 

Professor, Department of Law, Najafabad
Branch, Islamic Azad University, Najafabad,
Iran

Alireza Ansari Mahyari 

Assistant Professor, Department of Law,
Najafabad Branch, Islamic Azad University,
Najafabad, Iran

1. Introduction

Contemporary international law has adopted novel legal principles and norms that reject the use of immunity as a shield for violations of human rights standards. It treats prosecution as a necessary response to moral imperatives stemming from human conscience. Nevertheless, heads of states continue to evade accountability by invoking the rules

* Corresponding Author: Masoudraei@yahoo.com

How to Cite: Mirabi, P., Raei, M & Ansari Mahyari, A., "Immunity of State Officials in International Judicial Opinions and the International Law Commission's Draft", The Quarterly Journal of Public Law Research, Vol. 27, No. 90, (2026), 187-228. Doi: [10.22054/QJPL.2025.82607.3051](https://doi.org/10.22054/QJPL.2025.82607.3051)

of immunity from criminal responsibility. In response, the International Court of Justice (ICJ) has ruled that states are obligated to criminalize offenses and exercise jurisdiction in a deterrent and preventive manner, compelling them to equip their legal systems for the prosecution and trial. These judicial rulings prompted the International Law Commission (ILC) to establish a legal framework that removes such immunity for those individuals. In this regard, the present research focused on the immunity of state officials vis-à-vis criminal jurisdiction. By scrutinizing the scope of immunity of state officials, it aimed to clarify the conditions under which national courts may exercise jurisdiction over officials who commit international crimes.

2. Literature Review

The jurisdiction of countries in prosecuting state officials has received little attention in Persian-language scholarship. It is typically addressed only in the sections on diplomatic immunity in the books on public international law. Even this latter perspective deals with the immunity of diplomats and consular officers, overlooking a wide range of state officials. However, some Persian studies do tackle this gap. For instance, *Immunity of States and State Officials From the Viewpoint of International Law* (Ziyaei-Bigdeli, 2009) examined the immunities afforded to states and officials. However, Bigdeli's analysis predates the establishment of the ILC's investigative mandate.

3. Materials and Methods

The current study adopted a descriptive–analytical approach and a library research method. The analysis began by examining the ICJ's procedure for trying state officials. It then investigated how the ICJ's procedure would align with the ILC's approach to the immunity of state officials from criminal jurisdiction.

4. Results and Discussion

Immunity in public international law is a special status that protects its holders and shields them from certain forms of aggression. In practice, this means that the holder is exempt from prosecution and legal proceedings in the host state. The ICJ has clarified that immunity does not eliminate responsibility. Instead, it limits prosecution to specific times and circumstances. For example, the Minister of Foreign Affairs or the head of a state does not enjoy immunity for non-official acts after the term of office ends. At the same time, by reaffirming the priority of *jus cogens*—that is, recognizing the hierarchy of legal rules—the ICJ’s reasoning offers a strong basis for challenging immunity where criminal responsibility is required. Taken together, these judicial opinions helped inform the ILC’s attempt to narrow or remove immunity *ratione materiae* in cases involving serious international crimes.

According to international law, the immunity of state officials from foreign criminal jurisdiction—as outlined in the ILC’s draft—precludes immunity *ratione materiae* for certain serious crimes. Specifically, the following offenses are excluded from protection: Genocide, crimes against humanity, war crimes, crimes of apartheid, torture, and enforced disappearance. These crimes are prohibited under both international treaties and customary international law. States are therefore obligated to equip their legal systems with the tools necessary to investigate, prosecute, and punish perpetrators. This commitment is *erga omnes*, that is, a common obligation that applies to all states. Therefore, the state officials who commit any of the above crimes will be subject to prosecution and trial in the courts of the competent state after they leave office.

5. Conclusion

This study concludes that immunity rules only temporarily hinder the exercise of jurisdiction—either for a specific period or in relation to

certain crimes—but cannot completely absolve an individual from criminal responsibility. Moreover, states have a shared global interest in fulfilling their obligation to exercise jurisdiction in cases involving violations of *jus cogens*. In this respect, the ILC has removed immunity *ratione materiae* in cases involving serious crimes committed by foreign officials. This places an obligation on the competent state to prosecute such individuals in accordance with applicable international law and the laws and procedures of the forum state.

Keywords: Immunity, State Officials, Exercise of Jurisdiction, International Crimes, International Law Commission.

مصونیت مقامات در آرای قضایی بین المللی و طرح کمیسیون حقوق بین الملل

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

سیده پریسا میرابی 

استاد گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

مسعود راعی * 

استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

علی رضا انصاری مهباری 

چکیده

حقوق بین الملل معاصر با پذیرش هنجارهای نوین، عدم توجه به موازین حقوق بشر را با توجه مصونیت از مجازات نپذیرفته و محاکمه را پاسخی به وجدان بشری قرار داده است. با این حال، سران دولت‌ها همچنان با توسل به قواعد مصونیت از مسئولیت کیفری فرار می‌کنند. در این راستا، دیوان بین المللی دادگستری اعلام کرد تعهد دولت‌ها به جرم‌انگاری و اعمال صلاحیت، ماهیت پیشگیرانه داشته و طرفین معاهده مکلف به تجهیز نظام حقوقی خود برای تعقیب و محاکمه هستند. این آرا بستری شد تا کمیسیون حقوق بین الملل، مسیر سلب مصونیت از این افراد را هموار کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای در رویه دیوان به این نتیجه می‌رسد که قواعد مصونیت صرفاً اعمال صلاحیت را برای دوره‌ای مشخص یا جرایمی معین مانع شده و نمی‌تواند شخص را به‌طور کلی از مسئولیت مبرا کند. از سوی دیگر، دولت‌ها دارای نفع مشترک جهانی در اجرای تعهد به اعمال صلاحیت در قبال نقض قواعد آمره هستند. بر این مبنا، کمیسیون با سلب مصونیت مادی در جنایات «نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، آپارتاید، شکنجه و ناپدیدشدن اجباری»، کشور صلاحیت‌دار را متعهد به محاکمه مقامات خارجی طبق قوانین دولت محل دادگاه و قواعد حقوق بین الملل نمود.

واژگان کلیدی: مصونیت، مقامات دولتی، اعمال صلاحیت، جنایات بین المللی، کمیسیون حقوق بین الملل.

مقدمه

مصونیت در حقوقی عمومی، وضع مخصوصی است که دارندگان آن از حمایت برخوردار بوده و به طور خاص از تعرض معاف و محفوظ می‌شوند،^۱ بدین معنی که دارندگان آن در کشور پذیرنده از اعمال صلاحیت (قضایی، تقنینی، اجرایی) معاف هستند.^۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در احکام مختلفی به تأیید قواعد مصونیت در حمایت از نمایندگان سیاسی در برابر هرگونه عمل اقتدارگرایانه سایر کشورها با اهداف قواعد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تأکید نمود. وانگهی حقوق موجود به مطلق بودن مصونیت شخصی (رؤسای کشور، دولت، وزیران خارجه) به هنگام مأموریت اشاره دارد که علاوه بر عهدنامه‌های مربوط به روابط سیاسی،^۳ همین‌طور در حکم دیوان بین‌المللی دادگستری مورد تأیید قرار گرفته است.^۴ بنابراین، توقیف یا بازداشت یا هرگونه محدودیت در مصونیت مقامات خارجی مانع از انجام وظایف محوله خواهد شد.

از سوی دیگر، ارتکاب جرم و جنایت از دیرباز در جوامع وجود داشته و معضل بزرگی برای قربانیان این جنایات به وجود آورده است،^۵ زیرا برخی سران با سوءاستفاده از حق^۶ نمایندگی و جایگاه رسمی خود مرتکب جنایات بین‌المللی علیه بشریت شده‌اند. نمی‌توان

۱. محمد صالحی مازندرانی و محمد بافهم، «مصونیت دولت در قبال اعمال زیان‌بار حاکمیتی»، نشریه دانش حقوق مدنی سال نهم، شماره ۲، پیاپی ۸۱، (۱۳۹۹)، ص ۱۸۱.

۲. مهشید آجلی لاهیجی، سید علی حسینی آزاد و مجید زحمتکش، «تقابل مصونیت و مسئولیت ناشی از نقض قاعده آمره در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۴، شماره ۷۷، (۱۴۰۱)، ص ۲۳۹.

۳. کنوانسیون مأموریت‌های ویژه و کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمان‌های بین‌المللی.
4. Concerning the Arrest Warrant, Democratic Republic of the Congo v. Belgium, (2002), ICJ Reports 3, at 45-50.

۵. حسین میرمحمدصادقی، دادگاه کیفری بین‌المللی (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۵) ص ۲۸.

۶. در واقع سوءاستفاده از حق وضعیتی است که حقی مطابق شرایط قاعده اعطاکنده حق اعمال می‌شود، اما اثر حقوقی، خلاف هدف آن قاعده است که در بررسی رویه دیوان بین‌المللی دادگستری مشخص شده که نمی‌تواند مانعی برای رسیدگی دعوا تلقی شود.

برای مطالعه بیشتر ر.ک: عباسعلی کدخدایی و محمدرضا محمدی، «سوءاستفاده از حق و فرایند در پرتو رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، آماده انتشار، (۱۴۰۲)، ص ۲۳.

این واقعیت را نادیده گرفت کسانی که قربانی نقض شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط این افراد هستند باید منتظر عدالت باشند؛ برای اینکه تعویق و تعلل در اجرای عدالت خود بی‌عدالتی محسوب می‌شود.^۱ بر این اساس برخی از قوانین و رویه‌های قضایی مورد استناد در دکتین مدافع محدودتر شدن قلمرو مصونیت تا سر حد دفاع از عدم مصونیت مقامات مهم دولتی شامل تروئیکا (رئیس کشور، رئیس دولت و وزیر امور خارجه) از حیث صلاحیت محاکم خارجی است.^۲

روند عدم مصونیت سران دولت‌ها در اساسنامه و آرای صادره از دادگاه نورنبرگ، توکیو و دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا و در نهایت دیوان کیفری بین‌المللی انعکاس یافت. همانا تکالیف کشورها بر حمایت، تعقیب، تحقیق و مجازات و جبران خسارت از اصول اولیه حقوق بین‌الملل^۳ ناشی می‌شود که دربردارنده اصول بشریت و احترام به کرامت انسانی است که در عهدنامه‌های بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است.^۴ این موضوع در حکم دیوان نیز مورد تأکید قرار گرفت و به تعهدات دولت‌ها در جرم‌انگاری و اعمال صلاحیت که خصوصیت بازدارندگی و پیشگیرانه دارد تصریح نمود؛ دیوان دولت‌های طرف معاهده را موظف نمود نظام حقوقی خود را به ابزار حقوقی لازم در تعقیب، محاکمه و مقابله با بی‌کیفری تضمین نمایند و این تعهدات را «تعهدات عام‌الشمول» در قبال سایر دولت‌ها توصیف کرد که مؤید نفع مشترک دولت‌ها در اجرای تعهدات در هر قضیه خاص است.^۵

۱. میرمصطفی سیداشرفی، محسن محبی، سیدعلی هنجنی و صابر نیاورانی، «مصونیت مقامات رسمی نزد محاکم خارجی در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۴۵، شماره ۸۹، (۱۳۹۹)، ص ۲۵۳.

۲. علیرضا دیهیم، حقوق دیپلماتیک در تئوری و در عمل: حقوق دیپلماتیک در گذر زمان، جلد دوم (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۴۰۱) ص ۱۶۳.

3. Prima Principia.

۴. کریانگ ساک کیتی چایساری، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین آقای جنت‌مکان (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۷) ص ۳۲۴.

5. Case Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite, Belgium v. Senegal, International Court of Justice (ICJ), (2009), at 40-75

این رویکردی است که در محاکمه رئیس سابق کشور شیلی اتخاذ شد و هنگامی که در لندن تحت معالجه پزشکی قرار داشت (۱۹۹۸) بازداشت شد. وکلای وی معتقد بودند جرائم هنگامی رخ داده که پینوشه به عنوان رئیس دولت از مصونیت در برابر محاکم خارجی برخوردار بود. ولیکن لردها اعلام داشتند جنایاتی که پینوشه در زمان ریاست جمهوری مرتکب شد، در محدوده وظایف حاکمیتی یک رئیس دولت قرار نمی گیرد و مصونیت ندارد.^۱

روند این تحولات موجب شد، کمیسیون حقوق بین الملل در سال (۲۰۰۶)، موضوع «مصونیت مقامات دولتی از صلاحیت کیفری خارجی» را در برنامه کاری بلندمدت خود قرار داد.^۲ کمیسیون معتقد است محدودیت ها و استثنائاتی را در ارتباط با مصونیت کیفری مقامات رسمی بر اساس اقتضای مادی (انجام وظیفه)^۳، قابل احراز است (پیش نویس مواد ۶ و ۷). بدین ترتیب روسای کشور در موارد ارتکاب جنایات «جنایت نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، جنایت آپارتاید، شکنجه، ناپدید شدن اجباری» طبق قوانین بین المللی از مصونیت مادی برخوردار نخواهد شد (پیش نویس ماده ۷) و قابل محاکمه در محاکم داخلی کشور محل دادگاه هستند. با این حال دامنه دقیق استثناءها و محدودیت ها و اعمال صلاحیت دولت ها همچنان بحث برانگیز است که رویکرد کمیسیون از تهیه مواد بر مبنای حمایت از قلمرو حقوق بین الملل و هنجارهای موجود^۴ است یا پیروی از سیاست روند حقوق بین الملل رو به توسعه یعنی مقررات مطلوب^۵؟

1. Pinochet case, 1 October 1999: 154.

۲. کمیسیون ابتدا آقای رومن آ. کولودکین را به عنوان گزارشگر ویژه منصوب کرد. وی معتقد بود نمی توان به طور قطعی ادعا کرد که روندی به سمت محدودیت مصونیت و ایجاد چنین هنجاری وجود دارد. سپس خانم اسکوبار هرناندز را به عنوان گزارشگر ویژه به جای آقای کولودکین منصوب کرد. خانم هرناندز با تمایز بین مصونیت شخصی و مصونیت معتقد بود که قاعده حقوق بین الملل عرفی مبنی بر مجاز بودن اعمال محدودیت ها یا استثنائات در ارتباط با مصونیت بر مبنای شخصی احراز نشده، ولیکن اعمال محدودیت و استثناء در مصونیت بر مبنای مادی در موارد ارتکاب جنایات کیفری بین المللی، قابل احراز است.

3. Ratione Materiae.

4. Lex Lata.

5. Lex Ferenda.

بر این اساس، این پژوهش به این پرسش پاسخ می‌دهد که رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری چه رهیافتی در مسئله مصونیت مقامات دولتی از اعمال صلاحیت کیفری دارد؟ و بر مبنای آن، کمیسیون حقوق بین‌الملل چه رویکردی اتخاذ کرده است؟ از این رو نخست رویه دیوان بین‌المللی دادگستری تبیین و سپس رویکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل بر مبنای تفکیک دامنه کاربرد مصونیت شخصی و مادی و پس از آن معیارهای دادرسی عادلانه تبیین می‌شود.

۱. رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در رابطه با مصونیت از اعمال صلاحیت از آنجا که رویه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری نقش مهمی بر شناسایی قواعد حقوق بین‌المللی و در نتیجه توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل دارد، لذا رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در رابطه بین قواعد «مصونیت» در حقوق بین‌الملل طی شش پرونده: ۱- صلاحیت دیوان در دعوای کنگو علیه رواندا، ۲- پرونده مصونیت قضایی دولت‌ها در دعوای آلمان علیه ایتالیا، ۳- حکم دستگیری در قضیه جمهوری دموکراتیک کنگو علیه بلژیک، ۴- دعوای جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا (اقدامات مسلحانه در سرزمین کنگو)، ۵- مسئله مربوط به تعهد به تعقیب یا استرداد دعوای بلژیک علیه سنگال و ۶- حکم دیوان در مصونیت‌ها و رسیدگی‌های کیفری گینه استوایی علیه فرانسه مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. دعوای جمهوری دموکراتیک کنگو علیه رواندا (صلاحیت دیوان و قابلیت استماع)

جمهوری دموکراتیک کنگو در ۲۸ مه ۲۰۰۲، دعوایی را علیه جمهوری رواندا مبنی بر اختلاف مربوط به نقض‌های فاحش، جدی و آشکار حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناشی از اقدامات ارتكابی رواندا در تجاوز مسلحانه به قلمرو کنگو را در دفتر دیوان ثبت نمود. دیوان با بیان اینکه «اصول زیربنای کنوانسیون [نسل‌کشی] اصولی هستند که توسط کشورهای متمدن به عنوان الزام‌آور برای دولت‌ها، حتی بدون هیچ‌گونه تعهد

متعارفی به رسمیت شناخته شده‌اند»^۱ به پیامد این مفهوم در ویژگی جهانی محکومیت نسل‌کشی و همکاری لازم کشورها به منظور رهایی بشر از چنین بلایی (مقدمه کنوانسیون) که بیانگر حقوق و تعهدات عام‌الشمول^۲ است، تأکید نمود. با این حال، دیوان تصریح نمود «ویژگی عام‌الشمول یک هنجار بین‌المللی و قاعده رضایت به صلاحیت دو چیز متفاوت هستند»^۳ و صرف حقوق و تعهدات عام‌الشمول و هنجارهای آمره حقوق بین‌الملل عمومی^۴ در یک اختلاف، موجب صلاحیت دیوان برای رسیدگی به آن اختلاف نمی‌شود؛ زیرا طبق اساسنامه دیوان، صلاحیت همیشه مبتنی بر رضایت طرفین است.^۵ لذا عبارت دیوان این پرسش را مطرح می‌کند که آیا اهمیت موضوعاتی مانند نقض قواعد آمره که در برابر دیوان مطرح می‌شوند، نمی‌توانند سببی برای اعمال صلاحیت دیوان باشند؟ پیرو نظریه جداگانه مشترک از قضات هیگینز، کوروما معتقدند متأسفانه در آغاز قرن بیست و یکم هنوز شاهد این موضع هستیم که بر عهده کشورهاست تا تصمیم بگیرند که آیا در مورد ادعایی مبنی بر اینکه مرتکب نسل‌کشی شده‌اند یا خیر، با صلاحیت دیوان موافقت کنند یا خیر؟ و این موضوع باعث نگرانی جدی است که برخی کشورها سیاستی را در پیش بگیرند که از هرگونه ادعایی که ممکن است در مورد نسل‌کشی علیه خود مطرح شود در برابر نظارت قضایی بین‌المللی محافظت کنند.^۶

همچنین حسب رویه قضایی دیوان در پرونده تیمور شرقی دیوان تصریح نمود^۷ که اختلاف در مورد قواعد آمره به‌خودی خود نمی‌تواند استثنایی بر قاعده تثبیت‌شده رضایی بودن صلاحیت باشد.

1. Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002), Democratic Republic of the Congo v. Rwanda, ICJ Reports (3 February 2006), at 27-28.

2. Erga Omnes.

3. Ibid. at 70-78.

4. Jus Cognes.

5. Ibid.

6. Separate Opinion of Judge ad hoc Dugars Dissenting Opinion of Judge ad hoc Gaja in Jurisdictional Immunities Concluding, as Regards the Territorial Toet Exception, at 11.

7. Affaire Relative au Timor Oriental (Portugal v. Australia), ICJ Reports, 30 June 1995.

علی‌هذا اصل رضایی بودن مانند نخ طلایی از دل رویه قضایی همچنان عبور می‌کند و بقا و تداوم آن، زمان را به چالش می‌طلبد؛ لذا این نخ طلایی است که هیبت و احترام این دادگاه جهانی را با خود به همراه آورده و چه‌بسا فروریختن آن با فروریختن شوک نظام قضایی بین‌المللی همراه شود.^۱

اگرچه به‌موجب استدلال دیوان، تعیین صلاحیت بر سایر قواعد اولویت دارد ولی دیوان در آرای متعددی تصریح نموده که عدم صلاحیت به معنای نفی مسئولیت نیست.^۲ بدین ترتیب کشورها خواه صلاحیت دیوان را پذیرفته باشند یا نه، در هر صورت مسئول اعمال قابل انتساب به خود در نقض حقوق بین‌الملل هستند زیرا محکومیت جنایات بین‌المللی مانند نسل‌کشی و ویژگی جهانی و آمره دارد. لذا نقض قواعد آمره موجب تعهدات سایر دولت‌ها در تعقیب و محاکمه است. چنانچه تعهدات دولت‌ها نسبت به قواعد آمره منتج به نقض حقوق بشری و قواعد آمره گردد که رعایت آن‌ها برای همه دولت‌ها الزام‌آور است، موجب مسئولیت بین‌المللی در برابر کل جامعه بین‌المللی خواهد شد.

بر این اساس دیوان به وظایف طرفین این رسیدگی مطابق حقوق بین‌الملل تأکید نمود که همه نیروهای حاضر در سرزمین کنگو مسئول پیشگیری از نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه هستند و باید تعهدات خود را به‌موجب منشور ملل متحد و قطع‌نامه‌های ذی‌ربط شورای امنیت اجرا نمایند.

۱-۲. دعوای آلمان علیه ایتالیا در دیوان بین‌المللی دادگستری (ورود یونان):

مصونیت قضایی دولت‌ها

جمهوری فدرال آلمان در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸، دعوایی را در دفتر دیوان علیه جمهوری ایتالیا ثبت نمود مبنی بر ادعای ارتکاب نقض تعهدات به‌موجب حقوق بین‌الملل توسط ایتالیا از

۱. جمشید ممتاز، مسعود علیزاده و شهرام زرنشان، «تأملی دوباره بر اصل رضایی بودن صلاحیت در عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوق بین‌الملل، دوره ۳۳، شماره ۱۵، (۱۳۹۵)، ص ۲۶.

2. Tom Ruys, Nicolas Angelet & Luca Ferrom, *The Cambridge Handbook of Immunities and International Law* (Cambridge University Press, 2019) at 81.

طریق رویه قضایی داخلی در عدم رعایت مصونیت قضایی دولت که موجب نقض حقوق بین‌الملل عرفی شده است.^۱

دیوان معتقد است اقدام محاکم ایتالیا در محروم کردن دولت آلمان از مصونیت به موجب حقوق بین‌الملل عرفی موجب نقض تعهدات دولت ایتالیا نسبت به دولت آلمان است.^۲ بنا بر نظر دیوان در بررسی رویه دولت‌ها مبنی بر رسیدگی قضایی و احکام دادگاه‌های ملی درباره مصونیت دولت در اقدامات مسلحانه به این نتیجه رسیده است که رویه‌های دولت‌ها این فرضیه را تایید می‌کند که مصونیت دولت برای اقدامات ناشی از اعمال حاکمیت، نسبت به رسیدگی‌های مدنی منجر به جرح یا آسیب یا خسارت به اموال که توسط نیروهای مسلح یا سایر نهادهای یک دولت در جریان درگیری‌های مسلحانه رخ می‌دهد، تسری می‌یابد، حتی در صورتی که عمل ارتكابی در سرزمین دولت مقرر دادگاه ارتكاب یافته باشد.^۳ بنا بر نظر دیوان، یک دولت در رسیدگی قضایی به شبهه جرم‌های ادعایی در سرزمین دولت دیگر که توسط نیروهای نظامی مسلح یا نهادهای دولتی در جریان درگیری مسلحانه ارتكاب یافته، طبق حقوق بین‌الملل عرفی همچنان از مصونیت برخوردار است.

وانگهی با توجه به اینکه برخی تعهدات معاهداتی (مانند کنوانسیون وین معاهدات) و آرای دیوان بین‌المللی دادگستری با تایید اولویت قواعد آمره یعنی پذیرش سلسله‌مراتب قواعد حقوقی، فرصت مناسبی را برای پایان بخشیدن به توسل به مصونیت برای فرار از پاسخگویی در ارتكاب جرائم بین‌المللی فراهم ساختند. پس مشکل کجاست؟ چرا به مصونیت‌ها پایان داده نمی‌شود؟ پاسخ اینکه همچنان جامعه بین‌المللی معتقد است که صلح و امنیت جهانی در گرو این واقعیت است که دولت‌ها در روابط میان خود بتوانند آزادانه به وظایفشان و نقش خود بدون نگرانی از مداخلات ناروای یکدیگر عمل کنند و این مستلزم احترام به مصونیت‌ها در چارچوب‌های توافق شده است. به بیان دیگر باید میان این

1. Jurisdictional Immunities of the State Germany v. Italy, Greece Intervening, ICJ Reports, Judgment of 3 February (2012).

2. Ibid. at 107.

3. Ibid. at 62-79.

دو اصل توازن برقرار گردد نه اینکه یکی به نفع دیگری کاملاً حذف شود، حذف مطلق مصونیت دولت یعنی حذف دیرینه‌ترین اصل مطالبه بین‌المللی یعنی اینکه هیچ دولتی نمی‌تواند دولت دیگری را در محاکم خود به محاکمه کیفری محکوم نماید.^۱

در واقع دیوان بر این نظر است که هیچ تعارضی میان قواعد آمره و قاعده حقوق بین‌الملل عرفی مبنی بر مصونیت دولت وجود ندارد؛ زیرا هر دو قاعده به موضوعات متفاوتی می‌پردازند. قواعد ناظر بر مصونیت دولت یک اقدام شکلی و آیین‌نامه‌ای است نه یک اقدام ماهوی.

دیوان بین‌المللی دادگستری معتقد است تعهداتی که در قبال کل جامعه بین‌المللی^۲ ارائه داده همگی تعهداتی هستند که عموماً به عنوان تعهدات ناشی از قواعد آمره^۳ حقوق بین‌الملل عمومی پذیرفته شده‌اند. در واقع توجه اصلی قواعد آمره حقوق بین‌الملل عمومی بر اولویت دادن برخی تعهدات بنیادی خاص است که می‌تواند پیامدهای اضافی نه تنها برای دولت مسئول بلکه برای تمامی دولت‌های دیگر داشته باشد. در حالی که تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی بر مبنای منفعت قانونی تمامی دولت‌ها در رعایت آن‌ها به منظور حق استناد به مسئولیت هر دولت در نقض تعهد است که به همه دولت‌ها حق می‌دهد بابت نقض تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی به مسئولیت استناد کنند.^۴

دیوان با استناد به ماده ۱۹ کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها که بیانگر حقوق بین‌الملل عرفی در این زمینه است، اتخاذ تدابیر محدودکننده علیه اموال دولت خارجی را مشروط مواردی قرار داده است: **اول**، اموال توسط دولت موردنظر برای اهدافی غیر از اهداف تجاری مورد استفاده قرار گیرد و در

۱. علیرضا دیهیم، حقوق دیپلماتیک در تئوری و در عمل: حقوق دیپلماتیک در گذر زمان، جلد دوم (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۴۰۱) ص ۱۵۴.

2. Erga Omnes.

3. Jus Cogens.

۴. نصرالله حلمی، مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵) ص ۲۲۱.

قلمرو دولت مقرر دادگاه قرار گیرد؛^۱ دوم، دولت مالک موردنظر به صراحت نسبت به اقدامات محدودکننده رضایت داده باشد؛ سوم، دولت مالک موردنظر آن اموال را به صراحت برای جلب رضایت به یک دعوی قضایی اختصاص داده باشد. در چنین شرایطی ثبت درخواست توقیف یا اعمال صلاحیت قضایی نسبت به دولت خارجی، نقض تعهدات حقوق بین الملل عرفی در رعایت مصونیت قلمداد نمی شود.^۲

۳-۱. دعوای جمهوری دموکراتیک کنگو علیه بلژیک در دیوان بین المللی

دادگستری: قرار بازداشت

جمهوری دموکراتیک کنگو در دیوان بین المللی دادگستری دادخواست طرح دعوایی را علیه بلژیک با موضوع «قرار بازداشت» وزیر امور خارجه در حال خدمت عبدالله یرو دیا ندامباسی (آوریل ۲۰۰۰) ثبت کرد. کنگو نخست مدعی بود که صلاحیت جهانی کشور بلژیک نقض اصل حاکمیت برابر و استقلال کشورها مطابق منشور سازمان ملل متحد است.^۳ سپس مدعی شد که عدم شناسایی مصونیت وزیر امور خارجه در حال خدمت کنگو نقض مصونیت سیاسی و قواعد حقوق بین الملل عرفی در تعرض ناپذیری مطلق وزیر امور خارجه از رسیدگی های کیفری محسوب می شود (بندهای ۴۰-۳۶).^۴

دیوان در مورد ادعای بلژیک در اعمال صلاحیت جهانی و موضوع نقض ادعای مصونیت وزیر امور خارجه کنگو آقای یرو دیا که در آن زمان در حال انجام وظیفه رسمی بود اظهار داشت، به عنوان یک موضوع منطقی، به دلیل دوم، تنها هنگامی باید پرداخته شود که در مورد دلیل اول تصمیمی اتخاذ شده باشد، زیرا تنها هنگامی که یک کشور در مورد موضوعی خاص بر اساس حقوق بین الملل صلاحیت داشته باشد، مسئله قواعد

۱. البته مشکل احراز قصد استفاده می باشد یعنی مشخص شود که برای اهداف تجاری مورد استفاده قرار گرفته است (و نه حاکمیتی) تا مشمول اقدامات اجرایی قرار گیرد.

2. Ibid. at 108.

3. ICJ Reports 2002, op.cit. at 47-50.

4. Ibid. at 36-40.

مصونیت در رابطه با آن صلاحیت می‌تواند مطرح شود.^۱ بنابراین، قواعد حاکم بر صلاحیت محاکم داخلی باید متمایز از قواعد حاکم بر مصونیت باشند.

از طرفی دیوان تصریح نمود صلاحیت، مستلزم فقدان مسئولیت نیست همان‌طور که فقدان مصونیت مستلزم صلاحیت نمی‌گردد. همان‌طور که بسیاری از معاهدات در مورد پیشگیری مجازات جنایات خطر بین‌المللی، تعهد به تعقیب یا استرداد را بر کشورهای عضو تحمیل می‌کنند و بدین‌وسیله آن‌ها را به گسترش صلاحیت خود موظف می‌نمایند، ولیکن گسترش صلاحیت به هیچ‌وجه بر قواعد مصونیت به موجب حقوق بین‌الملل عرفی تأثیر ندارد.

حال مفروض بر این که کشور بلژیک مطابق حقوق بین‌الملل صلاحیت صدور و انتشار قرار بازداشت را داشته باشد، آیا اقدام این کشور مصونیت وزیر امور خارجه وقت کنگو را نقض می‌کند؟

مطابق حقوق بین‌الملل عرفی و همین‌طور مقدمه عهدنامه‌های مربوط به روابط سیاسی، هدف از اعطای مصونیت، منتفع ساختن افراد نیست و بلکه مراد تأمین حسن اجرای وظیفه سیاسی به‌عنوان نمایندگان دولت‌ها می‌باشد. لذا بهره‌مندی از مصونیت و تعرض‌ناپذیری آن، فرد را در برابر هرگونه اقدامات اقتدارگرایانه کشور دیگر که ممکن است او را از اجرای وظایفش در سمت نمایندگی دولت بازدارد، حمایت می‌کند. دیدگاه دیوان در این پرونده به سمت مصونیت شخصی به‌طور مطلق است. دیوان تأکید نمود نمی‌توان بین اعمالی «رسمی» انجام‌شده و اعمالی که ادعا می‌شود در «سمت شخصی»^۲ انجام‌شده یا اعمال انجام‌یافته قبل یا طی تصدی سمت تفکیک قائل شد.^۳ وانگهی مطلق بودن مصونیت شخصی وزیر خارجه به هنگام مأموریت، هم در کنوانسیون مأموریت‌های مخصوص و هم کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمان‌های بین‌المللی با عبارت «به هیچ‌عنوان مورد توقیف یا بازداشت یا زندانی نخواهند شد»^۴ تصریح شده و تردیدی

1. Ibid. at 45-71.

2. Private Capacity.

3. Ibid.

۴. شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ‌عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد.

باقی نمی‌گذارد که این مصونیت هم بر مبنای شخصی و هم بر مبنای انجام وظیفه است. کنوانسیون‌های فوق، اشخاص عالی‌رتبه دولت که از مصونیت برخوردار می‌گردند را شامل رئیس دولت، رئیس حکومت و وزیر امور خارجه (اعضای تروئیکا) در نظر گرفته است. ولیکن دیوان تأکید نمود بر خورداری از مصونیت وزیر امور خارجه در حال خدمت از اعمال صلاحیت به معنای بهره‌مندی آن‌ها از بی‌کیفری نیست و صرفاً تعقیب و محاکمه را برای یک دوره زمانی مشخص یا برای جرائم معینی مانع می‌شود ولی نمی‌تواند شخص را به‌طور کلی از مسئولیت کیفری مبرا کند.^۱ بر اساس ماده (۳۹(۲) کنوانسیون ۱۹۶۱ وین روابط دیپلماتیک و ماده ۴۳ کنوانسیون ۱۹۶۹ مأموریت‌های ویژه که به‌وضوح مبتنی بر حقوق بین‌الملل عرفی هستند، دامنه شمول مصونیت شخصی به ماهیت رفتار اعضای تروئیکا بستگی دارد و در قبال اعمال غیررسمی «مقید به زمان»^۲ است.^۳ بدین ترتیب زمانی که مأموریت نمایندگان دولت به پایان می‌رسد، مزایا و مصونیت‌ها نیز پایان یافته و در لحظه خروج از کشور یا با انقضای دوره معقول برای انجام آن متوقف می‌شود؛ لیکن مصونیت اعمال انجام‌شده توسط چنین شخصی (فقط) در انجام وظایف خود به‌عنوان عضو مأموریت، همچنان باقی خواهد ماند.

همچنین دیوان در این پرونده به شرایطی که موجب اعمال صلاحیت بر مقام رسمی می‌شوند اشاره کرد: اول، مقامات دارای مصونیت در کشور خود محاکمه می‌شوند؛^۴ دوم، سلب مصونیت مقامات توسط کشور فرستنده؛^۵ سوم، مقامات پس از پایان یا خاتمه تصدی،

1. Ibid. at 51.

2. Ratione Temporis.

3. Eileen Denza, *Diplomatic lae 4E, Commentary on the Vienna Convention on Diplomatic Relation*, Fourth Edition (Oxford Commentaries on International, 2016) at 195.

۴. نمایندگان دولت‌ها پیرو بند (۴) ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین روابط دیپلماتیک و بند (۵) ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ مأموریت‌های ویژه، در کشور متبوع خود (کشور فرستنده) محاکمه خواهند شد؛ اما دادگاه‌های کشور فرستنده (دولت متبوع دیپلمات) معمولاً تمایلی در اعمال صلاحیت قضایی برای رسیدگی به جرائم دیپلمات‌های خود ندارند.

۵. مصونیت مقامات توسط دولت فرستنده مطابق ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۶۱ روابط سیاسی و ماده ۴۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ مأموریت‌های ویژه در موارد ارتکاب جرائم حاد بین‌المللی توسط نمایندگان و مقامات خود، انصراف خود را از مصونیت قضایی آن‌ها اعلام نمایند.

دیگر از مصونیت‌های اعطاشده به موجب حقوق بین‌الملل در سایر کشورها برخوردار نیستند؛^۱ چهارم، مقامات نزد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه که واجد صلاحیت هستند،^۲ موضوع رسیدگی کیفری قرار گیرند.^۳

۵-۱. دعوای جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا (اقدامات مسلحانه در سرزمین کنگو)

جمهوری دموکراتیک کنگو در ۲۳ ژوئن ۱۹۹۹، دعوایی را علیه جمهوری اوگاندا مبنی بر اختلاف در اقدام تجاوز مسلحانه ارتكابی اوگاندا در سرزمین جمهوری دموکراتیک کنگو پیرو نقض آشکار منشور ملل متحد و منشور سازمان وحدت آفریقا، در دفتر دیوان ثبت نمود. اوگاندا نیز طی ادعای متقابل دوم اعلام نمود نیروهای مسلح کنگو با حمله به اماکن سفارت اوگاندا، به دیپلمات‌ها و سایر اتباع آن کشور در اماکن مأموریت، بدرفتاری داشته و به اموال متعلق به دولت خسارت وارد نمودند.^۴

اقدام کنگو علی‌رغم تصریح ماده ۲۹ «شخص نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص ... مصون خواهند بود و نمی‌توان آن‌ها را به هیچ عنوان مورد توقیف و یا بازداشت قرارداد ...» نسبت به مصونیت مطلق مأموران دیپلماتیک، اموال آن‌ها سبب نقض حقوق بین‌الملل عرفی به موجب ماده ۲۲ کنوانسیون وین روابط سیاسی ۱۹۶۱ در مصونیت از تعرض می‌باشد. لذا اقدامات کنگو در حمله به سفارت و نمایندگان نقض کنوانسیون فوق محسوب می‌شود.

۱. هنگامی که مطابق ماده (۲) ۳۹ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین روابط دیپلماتیک و ماده ۴۳ کنوانسیون ۱۹۶۹ مأموریت‌های ویژه، مأموریت مقامات دولت پایان می‌یابد مصونیت‌های وی نیز پس از انقضای مهلتی که به او داده شده که سرزمین دولت پذیرنده را ترک کند قطع می‌گردد.

۲. پایه و اساس بند ۲ ماده ۶ دادگاه ویژه سیرالئون، بند ۲ ماده ۷ اساسنامه یوگسلاوی سابق، بند ۲ ماده ۶ اساسنامه روند و بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه رم مسئولیت کیفری اشخاص است و همان‌طور که تصریح شده مقام و سمت رسمی متهم (اعم از مصونیت شخصی و مادی) مانع از مسئولیت کیفری چنین شخصی نخواهد شد.

3. ICJ Reports 2002, op.cit. at 50-55.

4. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), ICJ Reports 19 December, (2005), at 306-344.

در واقع ماده ۲۲ کنوانسیون به دو جنبه سلبی تعهد دولت پذیرنده تصریح دارد که شامل عدم حق مأموران دولت پذیرنده به ورود به سفارت بدون اجازه نمایندگی و عدم تفتیش و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرایی است. در قضیه تیراندازی آوریل سال ۱۹۸۴ از دفتر مردمی لیبی (سفارت لیبی)، مشاور حقوقی وزارت خارجه انگلیس نظر داد که چنانچه از اماکن مأموریت مرتباً تیراندازی صورت گیرد و هر روش دیگر برای متوقف شدن آن با شکست مواجه شود، توسل به ضرورت دفاع مشروع توجیه پذیر می شود. لیکن در پاسخ به کمیته روابط خارجی مجلس عوام انگلستان (که همواره از نظرهای مشورتی پرفسور رزالین هیگینز^۱، بعداً قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری شد، بهره می جست) در خصوص این پرسش که آیا به جهت فعالیت‌های غیرقانونی تروریستی صورت گرفته از محل ساختمان‌ها آیا تعرض ناپذیری آن‌ها منتفی شده است خانم رزالین اعلام داشت که بر اساس سوابق مذاکره موضوع ماده ۲۲ احتمالاً چنین استنباطی نامتناسب خواهد بود به‌ویژه که در این قبیل حوادث راه حل قطع روابط پیش‌بینی شده است.^۲

بر این اساس دیوان تأکید نمود، حمله به سفارت و خارج کردن اموال و بایگانی‌ها از سفارت اوگاندا، نقض قواعد حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دیپلماتیک است. دیوان با احراز حملات علیه سفارت و اقدامات بدرفتارانه علیه دیپلمات‌های اوگاندا در اماکن سفارت اظهار داشت، کنگو با ارتکاب این اعمال، تعهدات بین‌المللی خود را طبق مواد ۲۲ و ۲۹ عهدنامه وین ۱۹۶۱ روابط سیاسی نقض نموده است.

۶-۱. دعوای بلژیک علیه سنگال: مسئله مربوط به تعهد به تعقیب یا استرداد

رئیس‌جمهور سابق چاد

این پرونده مربوط به رئیس‌جمهور سابق چاد، حسن هابره، است که از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ پس از برکناری از قدرت، به سنگال پناه برد. در سال ۲۰۰۰، شکایاتی علیه رئیس‌جمهور سابق هابره توسط گروه‌های مختلف از مردم سنگال مطرح شد که از جمله آن‌ها

1. Rosalyn Higgins.

۲. علیرضا دیهیم، حقوق دیپلماتیک در تئوری و در عمل؛ جلد اول (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۹) ص ۳۳۹.

را قربانی جنایات علیه بشریت و شکنجه می‌دانستند. دادگاه سنگال پس از بررسی دقیق اتهامات، کیفرخواستی صادر کرد که در آن رئیس جمهور سابق در حصر خانگی قرار گرفت. هابره با این استدلال که در زمان جرائم ادعایی او از مصونیت برخوردار بوده و دادگاه‌های سنگال فاقد صلاحیت قضایی برای محاکمه او هستند درخواست تجدیدنظر کرد، وی معتقد بود در زمان جرائم ادعایی، او از مصونیت برخوردار بوده و اتهامات مورد بحث نیز در چاد ارتکاب یافته است. متعاقب درخواست هابره برای استرداد، وی بازداشت شده و از ۱۵ نوامبر ۲۰۰۵ تا زمان استرداد در توقیف (یا در بازداشت موقت) به سر برد، با این حال، شعبه اتهامی دادگاه تجدیدنظر داکار به این نتیجه رسید که صلاحیت قضایی رسیدگی به موضوع را ندارد زیرا او در زمان ارتکاب جرائم رئیس دولت بوده و از مصونیت اعمال صلاحیت برخوردار بوده است.^۱ سپس سنگال موضوع اقامه دعوی علیه هابره را به اتحادیه آفریقا ارجاع داد. مجمع سران دولت‌های عضو اتحادیه آفریقا در ژوئیه ۲۰۰۶ تصمیم گرفتند قضیه حسن هابره را در چارچوب صلاحیت خود قرار داده و به سنگال مأموریت دادند تعقیب و محاکمه هابره را در دادگاه صلاحیت‌دار ادامه داده و دادرسی عادلانه تضمین را نمایند.

بر این اساس، دولت بلژیک پیرو دادخواستی در دفتر دیوان (۲۰۰۹)، علیه دولت سنگال در خصوص اختلاف مربوط به رعایت تعهد سنگال به تعقیب رئیس جمهور سابق چاد، حسن هابره، به جهت ارتکاب جرائمی از قبیل جنایت شکنجه و جنایت علیه بشریت و استرداد وی به بلژیک به منظور رسیدگی کیفری مطرح کرد. بلژیک معتقد بود سنگال به‌عنوان کشوری که مجرم از سال ۱۹۹۰ در آنجا اقامت دارد به‌رغم درخواست‌های مکرر آن دولت برای پیگرد قضایی هابره اقدامی انجام نشده و در استرداد وی به بلژیک نیز کوتاهی نموده است.^۲

1. Fox Hazel CMG QC, Philippa Webb, *The Law State Immunity*, 3ed (Oxford-University Press, 2013) at 91.

2. Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite, Belgium v. Senegal, ICJ Reports (2009), at 71-88.

دیوان، موضوع تعهد به محاکمه یا استرداد را به نحوی در دعوای لیبی علیه آمریکا (قضیه لاکربی) مورد بررسی قرار داده است. در این پرونده دیوان معتقد است کلیه دولت‌های طرف عهدنامه دارای نفع مشترک جهانی از حیث ارزش‌های مشترک هستند تا تضمین نمایند که از وقوع جنایات بین‌المللی (شکنجه) پیشگیری می‌کنند. در صورتی که جرم واقع گردد مرتکبان آن از مصونیت برخوردار نیستند و منصرف از تابعیت مرتکب یا قربانی یا محل وقوع جرم باید محاکمه گردند. از این‌رو سایر دولت‌های طرف عهدنامه دارای نفع مشترک در اجرای تعهدات نسبت به هر دولتی هستند که متهم در قلمرو آن دولت حضور دارد. این موضوع در رای بارسلونا تراکشن (۱۹۷۰) نیز مورد تأیید قرار گرفته بود. دیوان در این قضیه میان تعهدات دولت‌ها بر مبنای حمایت دیپلماتیک و تعهدات دولت‌ها در قبال کل جامعه بین‌المللی تفکیک قائل شد. تعهدات دولت‌ها در قبال کل جامعه بین‌المللی با توجه به هدف و ماهیتی که دارند به همه دولت‌ها مربوط می‌شود و هر یک از آن‌ها دارای منفعت مشترک حقوقی در احترام به اعتبار ناشی از این تعهدات است. لذا دولت‌های متعهد دارای منفعت خاص نیستند بلکه هر یک منفعت مشترک حقوقی در اجرای اهداف عالی کنوانسیون را دارند. در صورتی که دولت‌ها منفعت خاص داشته باشند نمی‌توانند درخواست رعایت مفاد کنوانسیون را داشته باشند در حالی که در کنوانسیون منع شکنجه هر دولت متعهد دارای نفع مشترک جهانی است و قادر به درخواست پایان دادن به نقض مفاد کنوانسیون نسبت به سایر دولت‌ها است.

در واقع اهداف تمامی عهدنامه‌های بین‌المللی کیفری مبارزه مؤثر علیه جنایات بین‌المللی با پرهیز از بی‌کیفر ماندن برای مرتکبان چنین اقداماتی است. بر این اساس دیوان، اجرای تعهدات دولت‌ها برای ایجاد صلاحیت جهانی دادگاه‌ها درباره جنایت بین‌المللی (در این پرونده جنایت شکنجه) را شرط لازمی دانست که تحقیقات مقدماتی را امکان‌پذیر ساخته و امکان ارجاع قضیه به مقامات صلاحیت‌دار برای تعقیب را فراهم می‌نماید.^۱ بنابراین، هدف تمامی این تعهدات آن است که چنانچه مظنون مسترد نشود، محاکمه گردد و موضوع و هدف عهدنامه محقق شود.

1. Ibid. at 64-70.

دیوان همین‌طور تأکید نمود، تعهدات دولت‌ها به جرم‌انگاری و اعمال صلاحیت، خصوصیت بازدارندگی و پیشگیرانه دارد؛ دولت‌های طرف معاهده، موظفند نظام حقوقی خود را به ابزار حقوقی لازم در تعقیب، محاکمه و مقابله با بی‌کیفری تضمین می‌نمایند. دیوان این تعهدات را «تعهدات عام‌الشمول» در قبال سایر دولت‌ها توصیف کرد که مؤید نفع مشترک دولت‌ها در اجرای تعهدات در هر قضیه خاص است.^۱

از این‌رو کشوری که متهم در قلمروش حضور دارد به‌طور قطع نمی‌تواند اجرای تعهد در تعقیب و ارجاع پرنده به مقامات صلاحیت‌دار را با هیچ توجیهی به تأخیر بیندازد؛ همین‌طور نمی‌تواند با استناد به حقوق داخلی خود نقض تعهداتش را توجیه نماید. این تعویق و تعلل موجب نقض تعهدات مندرج در عهدنامه و همین‌طور ناقض حقوق قربانیان و حقوق متهم خواهد شد.

دیوان در خصوص مسئله انتخاب بین استرداد یا ارجاع برای تعقیب توسط کشورها، معتقد است دولت‌ها در موضوع تعقیب دارای تعهد بین‌المللی هستند که نقض آن عمل متخلفانه بین‌المللی و موجب مسئولیت بین‌المللی دولت خواهد شد. در حالی که استرداد اقدامی اختیاری است که به موجب عهدنامه به دولت‌ها اعطا شده است که در صورت عدم تعقیب، متهم را به مقامات صلاحیت‌دار مسترد نمایند. البته در خصوص شکل‌گیری و دامنه تعهد به استرداد یا محاکمه رویه یکسانی وجود ندارد. برخی کنوانسیون‌ها اولویت را بر استرداد قرار دادند و تعهد به محاکمه را در زمانی که دولت درخواست شده از استرداد خودداری کند، لحاظ نمودند مانند پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در رابطه با فروش، فاحشگی و هرزه‌نگاری کودکان و یا کنوانسیون اتحادیه آفریقایی پیشگیری و مبارزه با فساد جملگی از این‌دست کنوانسیون‌ها هستند. برخی دیگر از کنوانسیون‌ها تعقیب و ارجاع پرونده مرتکبین جنایات به محاکم داخلی خود را در اولویت قرار داده و استرداد

1. Ibid. at 64-70.

آن‌ها به طرف متعاقد دیگر را به عنوان یک امکان پیش‌بینی نمودند از جمله کنوانسیون چهارگانه ۱۹۴۹ و پروتکل اول الحاقی ۱۹۹۷ آن.^۱

در این راستا سنگال می‌بایست صلاحیت خود را نسبت به هرگونه اقدام شکنجه اعمال می‌نمود و تعهدات خود را به موجب ماده (۲) ۶ عهدنامه مذکور مبنی بر شروع تحقیق به موقع انجام می‌داد. اقدام سنگال صرفاً بازجویی قاضی تحقیق در دادگاه منطقه‌ای داکار به منظور احراز هویت و مطلع نمودن متهم نسبت به اتهاماتش موجب اجرای تعهدات به موجب ماده (۲) ۶ عهدنامه فوق تلقی نمی‌گردد. از این رو دیوان دریافت که سنگال با عدم تحقیق مقدماتی مربوط به جنایات ادعایی تعهدات مندرج در ماده (۱) ۶ عهدنامه نقض نموده و با عدم ارجاع پرونده هابره به مقامات صلاحیت‌دار به منظور تعقیب، تعهدات مندرج در ماده (۱) ۷ عهدنامه نقض نموده است. لذا سنگال باید فوراً و بدون تاخیر آقای هابره را به مقامات صلاحیت‌دار به منظور تعقیب ارجاع دهد، در غیر این صورت وی را مسترد نماید.^۲

۷-۱. دعوای گینه استوایی علیه فرانسه در دیوان بین‌المللی دادگستری: مسئله

مربوط به مصونیت‌ها و رسیدگی کیفری

گینه استوایی به منظور رسیدگی در دیوان بین‌المللی دادگستری، ۱۳ ژوئن ۲۰۱۶ دادخواستی را علیه فرانسه مبنی بر مصونیت تئودورو نگوما اوبیانگ مانگ و وضعیت حقوقی ساختمان محل سفارت گینه استوایی در فرانسه ثبت نمود. گینه استوایی مدعی بود که دادرسی‌ها در فرانسه، کنوانسیون وین روابط سیاسی ۱۹۶۱ و کنوانسیون سازمان ملل متحد در جرائم سازمان‌یافته بین‌المللی ۲۰۰۰ (کنوانسیون پالمو) و در نهایت حقوق بین‌الملل را نقض کرده است.^۳

۱. حسین رضائی قوام‌آبادی، «مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهد به استرداد یا محاکمه در پروتوکل دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی بلژیک علیه سنگال»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۴، شماره ۸، (۱۳۹۵)، صص ۸-۱۰.

2. ICJ Reports 2009, op.cit. at 89-70.

3. Case Immunities and Criminal Proceedings, Equatorial Guinea v. France, ICJ Reports 6 June (2018), at 1-24.

پرونده فوق به معیارهای پذیرش مصونیت اموال و اماکن دیپلماتیک (در این پرونده ساختمان واقع در خیابان ۴۲ فوش)، توسط کشور پذیرنده می‌پردازد. دیوان استدلال کرد در خصوص وضعیت حقوقی ساختمان محل سفارت گینه استوایی در فرانسه، با توجه به سیاق ماده ۲ عهدنامه وین که برقراری روابط دیپلماتیک میان دولت‌ها بر اساس رضایت متقابل صورت می‌گیرد و مطابق ماده ۴، انتخاب رئیس مأموریت توسط دولت فرستنده، منوط به کسب پذیرش دولت پذیرنده است. همچنین ماده ۳۹ کنوانسیون مذکور نیز پذیرش اشخاصی را که در استفاده از مزایا و مصونیت ذی‌حق می‌باشند از تاریخی که انتصاب آن‌ها به کشور پذیرنده اعلام شود، معین نموده است. لذا کنوانسیون وین روابط سیاسی اختیارات دولت پذیرنده را بر اساس ماده ۹ در اعلام اعضای مأموریت (در جریان انجام وظایف یا قبل از ورود به خاک کشور پذیرنده) به عنوان عنصر نامطلوب گسترده نموده است. ولیکن کنوانسیون فوق سازوکار مشابهی برای اماکن دیپلماتیک پیش‌بینی نکرده است.^۱ دیوان در چگونگی مخالفت نسبت به اماکن مأموریت معتقد است این مسئله به انتخاب دولت پذیرنده است و مبنایی در حقوق بین‌الملل و عهدنامه‌های مربوط به روابط سیاسی ندارد. یعنی ممکن است برخی دولت‌ها از طریق قانون‌گذاری یا پروتکل رسمی شرایط و نحوه موافقت خود را اعلام کنند.^۲

از این‌رو دیوان با تحلیل ماده ۴۷ کنوانسیون وین روابط سیاسی، سه معیار برای تعیین یا عدم تعیین «اماکن دیپلماتیک» برای دولت پذیرنده نسبت به دولت فرستنده پیش‌بینی نمود که شامل «اطلاع به موقع از تأیید اولیه»، «غیر خودسرانه» و «بدون تبعیض» است. البته دیوان تصریح نمود پیرو ماده (۲) ۴۷ کنوانسیون وین تصریح نمود: «کشور پذیرنده می‌تواند به علت محدودیت مأموریت نسبت به یکی از مقررات این قرارداد در کشور فرستنده، بر مبنای روابط متقابل مقررات فوق را به طور محدود اجرا کند.» بر این اساس دیوان قلمرو صلاحیت دولت پذیرنده را گسترده نموده و رفتار فوق را تبعیض در نظر نگرفته است.

1. Ibid. ICJ Reports 11 December 2020, at 39-75

2. Ibid. at 76-89.

بنابراین دیوان استدلال نمود استقرار توسط دولت فرستنده منوط به دو شرط است: عدم اعتراض دولت پذیرنده و تعیین واقعی اماکن مربوط برای استفاده مأموریت؛^۱ ولیکن دیوان تأکید نمود در جاییکه دولت پذیرنده نسبت به «وضعیت اماکن مأموریت» دولت فرستنده اعتراض دارد باید طی ابلاغ رسمی آن را به موقع اطلاع دهد که از نظر ماهیت نیز «خودسرانه» و «تبعیض آمیز» نباشد.^۲

اگرچه در همه پرونده‌های فوق، رویکرد محاکم نسبت به روابط کشورها و با وابستگی آن‌ها در صلاحیت دیوان به رضایت قبلی طرفین دعوی تعیین شده است. ولیکن رویه دیوان بین‌المللی دادگستری از طرفی، قواعد حاکم بر صلاحیت محاکم داخلی را متمایز از قواعد حاکم بر مصونیت در نظر گرفته است و از سوی دیگر صلاحیت داخلی دولت‌ها را به توسعه اختیارات و صلاحیت محاکم در جرم‌انگاری و مجازات مرتکبین جدی‌ترین جنایات تشویق نموده است.

۲. رویکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل بر قواعد مصونیت از اعمال صلاحیت

محاکم داخلی

اساس مصونیت مقامات دولتی از صلاحیت کیفری خارجی، نیاز به تضمین احترام به اصل برابری حاکمیتی کشورها است.^۳ در واقع همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری تأیید نمود «مصونیت‌های اعطا شده به مقامات دولتی برای منافع شخصی آن‌ها اعطا نمی‌شود، بلکه برای حمایت از حقوق و منافع دولت اعطا می‌شود»^۴ و مصونیت بدین منظور اعطا می‌شود تا: «از فرد در برابر هرگونه اقدام حاکمیتی دولت دیگر که مانع از انجام وظایف وی می‌گردد، محافظت نماید».^۵ لذا ضرورت حمایت از مصونیت دولتی و دیپلماتیک به‌عنوان

1. Ibid. at 93-117.

2. Ibid. at 101-107.

3. Par in Parem non habet Imperum.

4. I ICJ Reports 2000, op.cit. at p. 14, para. 31.

5. Ibid. at 45.

یکی از اصول حقوق بین‌الملل در مقررات موجود مورد تأیید قرار گرفته است.^۱ به‌طور کلی هنجارهای موجود^۲ در معاهدات بین‌المللی، هرگونه محدودیت و استثناء مصونیت از اعمال صلاحیت قضایی خارجی را به‌غیر از اعمالی که در مقام خصوصی و با هدف منافع شخصی و نه حاکمیتی کسب نماید وارد کرده است.

از طرفی در حقوق بین‌الملل، گاه هنجارهای حقوق بین‌الملل در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند. به این معنی که اصل مصونیت قضایی بر پایه حفظ نظم بین‌المللی در مقابل با اعمال صلاحیت محاکم در رفتارهای خطیر بین‌المللی بر مبنای حق بنیادین دسترسی به عدالت قضایی در تعارض قرار گرفته و موجب مطرح شدن دکترین مصونیت محدود شدند. لذا ضرورت دگرگون کردن و اصلاح قوانین موجود تا سرحد لغو مصونیت و یا توسعه حیطه و قلمرو استثنای مصونیت اهمیت یافت.^۳

دیوان بین‌المللی دادگستری در احکام خود موجبات اعمال صلاحیت بر مقام رسمی خارجی را شامل تعقیب قضایی در کشور فرستنده، انصراف (سلب) مصونیت، رسیدگی در محاکم کیفری بین‌المللی، پایان یافتن مدت مأموریت نمایندگان دولت لحاظ کرده است. البته اعلام عنصر نامطلوب توسط کشور پذیرنده نیز سازوکار دیگری است که موجب می‌شود قبل و یا بعد از ورود نماینده، کشور فرستنده شخص را بر حسب مورد فرا خواند و یا به خدمت وی پایان دهد.

از آنجا که هیچ‌یک از روش‌های فوق سازوکار مؤثری ارائه نمی‌دهد و همواره با چالش‌هایی همراه بوده، اهمیت سازوکار حقوقی برون‌رفت از چالش مصونیت مقامات بین‌المللی در ارتکاب رفتارهای خطیر بین‌المللی موجب شد کمیسیون حقوق بین‌الملل در پنجاه و نهمین جلسه خود (۲۰۰۷)، موضوع «مصونیت مقامات دولتی از صلاحیت کیفری خارجی» (از این پس طرح کمیسیون) را با توجه به «نیازهای دولت‌ها در رابطه با توسعه و تدوین تدریجی حقوق بین‌الملل» و «نگرانی‌های مبرم جامعه بین‌المللی» در جرائم خطیر

۱. علیرضا دیهیم، «مصونیت قضایی و مسئولیت بین‌المللی مقامات مهم دولت‌ها»، فصلنامه علمی راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۳، پیاپی ۷۶، (۱۳۹۴)، ص ۱۷.

2. Lex Lata.

۳. همان.

بین‌المللی، در برنامه کاری بلندمدت خود قرار دهد. لذا رومن کولودکین^۱ را به‌عنوان گزارشگر ویژه در این موضوع منصوب نمود که سه گزارش طی سال‌های ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۱ ارائه کرد. سپس کمیسیون تصمیم گرفت در شصت و چهارمین جلسه خود (۲۰۱۲)، خانم کانسیسیون اسکوبار هرناندز^۲ را به‌عنوان گزارشگر ویژه به‌جای آقای کولودکین که دیگر عضوی از کمیسیون نبود، منصوب نماید. خانم هرناز به‌منظور اعمال صلاحیت کیفری بر مقامات در موارد ارتکاب جنایات، بین مصونیت شخصی و مصونیت مادی تفکیک قائل شد^۳ که مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۱. دامنه کاربرد مصونیت مادی و مصونیت شخصی در کمیسیون حقوق

بین‌الملل

کمیسیون پیرو ماده ۳ طرح کمیسیون، افرادی که از مصونیت شخصی^۴ برخوردارند را پیش‌بینی نموده است. بر این اساس، «سران کشورها، سران دولت‌ها و وزرای امور خارجه از مصونیت شخصی در برابر اعمال صلاحیت کیفری خارجی برخوردارند». کمیسیون معتقد است که دو دلیل برای اعطای مصونیت به اعضای تروئیکا وجود دارد، یکی نمایندگی و دیگری اهمیت عملکرد آن‌ها.^۵ کنوانسیون‌های متعدد^۶ و همین‌طور دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به رفتار دولت‌ها در مواجهه با قواعد مصونیت سران دولت به‌منظور صلاحیت کیفری خارجی اشاره داشتند.

1. Mr. Roman A. Kolodkin (Russian Federation).

2. Ms. Concepcion Escobar Hernandez (Spain).

3. Mathias Forteau, "Immunities and International Crimes before the ILC: Looking for Innovative Solutions", AJIL Unbound, Vol. 112, (2018), at 192, <https://doi.org/10.1017/aju.2018.55>.

4. Ratione Personae.

5. Ernest K. Bankas, *The State Immunity Controversy in International Law: Private Suits against Sovereign States in Domestic Courts* (Heidelberg: Springer Publishing, 2022) at 248.

۶. در این خصوص، استناد به ماده ۲۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ مأموریت‌های ویژه و بند ۱ ماده ۵۰ کنوانسیون ۱۹۷۵ وین ضروری است؛ موادی که وضعیت حقوقی رئیس کشور و سایر اشخاص عالی‌رتبه را مورد شناسایی قرار داده‌اند.

همان‌طور که دیوان به مصونیت شخصی مقامات به‌طور مطلق تأکید داشت،^۱ پیرو آن کمیسیون دامنه و کاربرد این قواعد را مشخص نمود.^۲ کمیسیون دامنه مصونیت شخصی را «تنها در طول دوره مسئولیت خود و شامل کلیه اعمالی است که در طول یا قبل از دوره مسئولیت خود، چه در مقام خصوصی یا رسمی، انجام دهند» در نظر گرفت و معتقد است که پس از پایان دوره مسئولیت، مصونیت شخصی متوقف می‌شود.^۳ کمیسیون ضروری ندانسته است معیارهای خاصی را که باید برای تعیین زمان شروع و خاتمه دوره مأموریت اشخاصی که از چنین مصونیتی برخوردارند در نظر گرفته شود، معرفی کند؛ زیرا این امر به نظم حقوقی هر دولت بستگی دارد و عملکرد در این زمینه متفاوت است.^۴

پیرو طرح کمیسیون، دامنه و کاربرد مصونیت مادی مطابق ماده ۶ «فقط در رابطه با اعمالی که در مقام رسمی انجام می‌شوند که پس از پایان یافتن مقامات دولتی افراد مربوطه همچنان پابرجاست»؛ بنابراین، مصونیت مادی منحصرأً برای اعمالی که در مقام رسمی انجام می‌شود و برخلاف مصونیت شخصی که در مورد هر دودسته (خصوصی-رسمی) اعمال می‌شود، مصونیت مادی در اعمالی که در مقام خصوصی انجام شود از این دسته مصونیت مستثنی می‌گردد.

کمیسیون تصمیم گرفت تا «عنصر زمانی» مصونیت مادی را مطابق (۲) ۳۹ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین روابط سیاسی و ماده ۲۰ کنوانسیون ۱۹۶۹ مأموریت ویژه، ماده ۶۹ کنوانسیون ۱۹۴۶ در مورد مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل متحد پیش‌بینی کند. بر این اساس وقتی که مأموریت شخص بهره‌مند از مزایا و مصونیت‌ها خاتمه یابد این مزایا و مصونیت‌ها نیز در انقضای موعد مناسبی که برای ترک خاک کشور پذیرنده یا انجام این منظور به وی

1. Concerning the Arrest Warrant, op.cit. (2000), at 36-40.

۲. سیده پریسا میرایی، مسعود راعی و علیرضا انصاری مهبیاری، «محاکمه روسای کشورها پس از پایان سمت رسمی در پرتو طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۵، شماره ۱، پیاپی ۴۱ (۱۴۰۴).

3. Chile Eboe-Osuji, "International Law Rejects Immunity for International Crimes", Journal of International Criminal Justice, Vol. 21, No. 3, (2023), at 466.

4. Dapo Akande & Sangeeta Shah, "Immunities of State Officials, International Crimes, and Foreign Domestic Courts", European Journal of International Law, Vol. 21, No. 4, (2011), at 815.

اعطا می‌شود قطع می‌گردد.^۱ مع‌هذا مصونیت نسبت به اعمالی که شخص بهره‌مند در اجرای وظایف خود به سمت عضو مأموریت انجام داده باقی است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل پیرو پیش‌نویس ماده ۷، محدودیتی بر مصونیت مادی با هدف مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در اعمال‌شان و پایان دادن به مصونیت و بی‌کیفری در سنگین‌ترین جنایات بین‌المللی که یکی از اهداف اصلی جامعه بین‌المللی است، مقرر داشت. برابر با ماده ۷ پیش‌نویس، مصونیت مادی بر مبنای انجام وظیفه در مورد جرائم «جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، جنایت آپارتاید، شکنجه، ناپدید شدن اجباری، به موجب حقوق بین‌المللی، اعمال نخواهد شد».^۲ ماده فوق منعکس‌کننده مواضع مختلف اعضای کمیسیون در مورد موضوع بسیار مهم یعنی وجود یا عدم وجود محدودیت‌ها و استثنائات مصونیت مادی است. از آنجاکه پیش‌نویس ماده ۷ صرفاً به مصونیت مادی اشاره دارد، لذا در رابطه با مصونیت شخصی قابل اعمال نیست. در مقابل، باید در نظر داشت اعضای تروئیکا هنگامی که دوره تصدی آن‌ها به پایان رسد، مصونیت مادی در مورد جرائم پیش‌نویس ماده ۷ اعمال نمی‌شود. کمیسیون این جرائم را جزء جرائمی قرار داد که اولاً، این‌ها جنایاتی هستند که جامعه بین‌المللی نسبت به آن‌ها ابراز نگرانی کرده و منجر به تصویب معاهداتی شده است که در قلب حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بین‌الملل حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار دارند و دادگاه‌های بین‌المللی بر شدت آن تأکید کرده‌اند. ممنوعیت این جنایات ماهیتی عرفی دارد و ارتکاب آن‌ها ممکن است نقض هنجارهای آمره حقوق بین‌الملل عمومی^۳ باشد. ثانیاً این جنایات به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رویه قضایی دولت‌ها وجود داشته و هنجارهای بین‌المللی، مبتنی بر معاهدات و عرفی در رابطه با ممنوعیت آن‌ها تأکید نموده است، ازجمله تعهد به انجام اقدامات برای پیشگیری و مجازات؛ بنابراین، قواعد آمره طبق موافقت‌نامه‌های

1. Sergey Sayapin, "The 'Special Nature of the Crime of Aggression and Its Implications for State Immunity'", in: Régis Bismuth and others (eds), *Sovereign Immunity Under Pressure: Norms, Values and Interests* (Cham: Springer Publishing, 2022) at 152.

2. UN, ILC, A/72/10/2017, art 7.

3. Jus Cogen.

بین‌المللی و سایر اشکال همکاری بین‌المللی، نه تنها هنگامی که اقدامات آثار منفی بر دیگران داشته باشد یا موجب ضرر شود، غیرقابل قبول بوده، بلکه هرگاه باعث «بی‌عدالتی» شوند نیز ممنوع هستند.^۱

هدف کمیسیون از تصریح عبارت «جرائم بر اساس حقوق بین‌الملل» در ماده فوق به رفتاری اشاره دارد که طبق قوانین بین‌الملل مجرمانه است، خواه این رفتار طبق قوانین ملی جرم‌انگاری شده باشد یا خیر. این عبارت «جنایت بر اساس حقوق بین‌الملل» قبلاً توسط کمیسیون در اصول نورنبرگ و در پیش‌نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشر در سال ۱۹۵۴ استفاده شده بود.^۲

۲-۲. معیارهای دادرسی و محاکمه طبق کمیسیون حقوق بین‌الملل

کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس ماده ۹، یک قاعده عام مربوط به تعهدات مقامات صلاحیت‌دار کشور محل دادگاه به منظور «بررسی موضوع مصونیت بدون تأخیر» در هنگامی که آن‌ها «آگاه می‌شوند که یک مقام دولتی دیگر ممکن است تحت تأثیر اعمال صلاحیت کیفری آن قرار گیرد»، پیش‌بینی نمود. اهمیت این موضوع در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری صریحاً اعلام شده است که مسئله مصونیت باید در مراحل اولیه رسیدگی و قبل از ورود به ماهیت دعوی بررسی شود.^۳ با توجه به عبارت «هنگامی که آن‌ها آگاه شوند» تا حدودی پیرو عبارتی است که مؤسسه حقوق بین‌الملل در قطعنامه ۲۰۰۱ خود در مورد مصونیت از صلاحیت اجرایی سران کشورها و دولت‌ها در حقوق بین‌الملل به کار رفت. برای تقویت این ایده، عبارت «بدون تأخیر» مندرج در مواد ۳۶ و ۳۷ کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی نیز استفاده شده است.

کمیسیون، قواعد اطلاع‌رسانی را برای مرحله پیش از محاکمه و قبل از اینکه دولت محل دادگاه رسیدگی کیفری را شروع کند، طبق ماده ۱۰ پیش‌بینی نمود. بر این مبنا دولت محل دادگاه باید آن وضعیت را به دولت مقام رسمی اطلاع دهد؛ بنابراین، دولت متبوع

۱. فرناندو تسون، فلسفه حقوق بین‌الملل، ترجمه محسن مجبی (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۵) ص ۱۹۹.

2. ILC Yearbook, 1950, Vol. II, document A/1316: 374.

3. ICJ Reports 2000, op.cit. at 50-77.

مقام رسمی برای اینکه بتواند به طور مؤثر اختیارات رسمی نماینده اش را اعمال کند، باید آگاه باشد که مقامات کشور دیگری قصد دارند صلاحیت کیفری خود را بر یکی از مقامات کشورش اعمال کنند. در واقع این مبنایی است که در ماده ۴۲ کنوانسیون وین ۱۹۶۳ درباره روابط کنسولی و کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل متحد در مورد مصونیت های قضایی دولت ها و اموال آنها تصریح شده است.

کمیسیون، معیار دیگر مرحله پیش دادرسی را «بررسی درخواست اطلاعات» اعلام نمود که می تواند هم توسط دولت محل برگزاری دادگاه و هم دولت مقام رسمی انجام پذیرد و از یکدیگر درخواست اطلاعات کنند. از آنجا که در حقوق بین الملل تعهدی برای نحوه ارائه اطلاعات وجود ندارد، کمیسیون معیارهایی را که کشورها باید در ارزیابی درخواست های اطلاعات رعایت کنند با عبارت «بررسی با حسن نیت» مشخص نمود. لذا به نظر می رسد دامنه این تعهد به دلیل ماهیت خاص خود، قابل تعریف در قالب یک قاعده کلی و انتزاعی نیست، بلکه محتوای آن باید به صورت موردی تعیین گردد. این تعهد که بیانگر یک «تعهد به وسیله» (الزام رفتاری) و نه «تعهد به نتیجه» است، باید در پرتو دو عنصر مکمل زیر تفسیر شود:

اول، الزام به بررسی درخواست اطلاعات؛

دوم، الزام به انجام این کار به قصد کمک به دولت دیگر برای اتخاذ تصمیمی آگاهانه و مستدل در مورد اعمال یا عدم اعمال مصونیت یا در مورد استناد یا سلب مصونیت. کمیسیون معتقد است هدف از گنجاندن آن، رویه ای برای ارتقای همکاری بین دولت مقرر دادگاه و دولت مقام رسمی که به هر یک از آنها امکان می دهد تا اطلاعات مناسب را دریافت نموده و قضاوت صحیحی داشته باشد.

انتقال دادرسی یکی از سازوکارهای همکاری و کمک های حقوقی متقابل در امور جنایی است که در برخی اسناد بین المللی چندجانبه و در ماده ۱۵ پیش نویس کمیسیون نیز

پیش‌بینی شده است.^۱ توسل به این روش موجب همکاری و تعادل بین حقوق و منافع دولت مقام رسمی و دولت مقرر شده و به حفظ مصونیت کمک می‌کند و همچنین تضمین می‌کند که مصونیت مانع اعمال مؤثر صلاحیت کیفری بر مقام رسمی نمی‌شود. سازوکار فوق با موضع اتخاذ شده توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده مربوط به حکم دستگیری ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ مطابقت دارد که در آن بیان شد مصونیت بر مسئولیت کیفری بین‌المللی یک مقام دولتی تأثیر نمی‌گذارد که ممکن است از طریق اعمال صلاحیت توسط دادگاه‌های کشور مقام رسمی، سایر دادگاه‌ها یا توسط یک دادگاه کیفری بین‌المللی ایجاد شود.^۲

بر این اساس پیش‌نویس کمیسیون تعهد به حسن نیت بر روابط بین دولت مقام رسمی و کشور محل رسیدگی در مورد انتقال دادرسی کیفری حاکم خواهد بود و به‌طور یکسان برای هر دو دولت قابل اجرا است. کمیسیون مقرر نمود انتقال دادرسی با حسن نیت صورت گیرد. اشاره به حسن نیت همان چیزی است که به‌عنوان «فرمول لاهه» شناخته می‌شود که برای اولین بار در ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۷۰ برای جلوگیری از توقیف غیرقانونی هواپیما پیش‌بینی^۳ و متعاقباً در سایر اسناد بین‌المللی بازآفرینی شد. سپس توسط کمیسیون در کار خود در مورد الزام به استرداد یا تعقیب^۴ و در مورد پیشگیری و مجازات جنایات علیه بشریت مورد بررسی قرار گرفت.^۵

کمیسیون یک شرط حفاظتی به نفع دولت مقرر دادگاه در انتقال دادرسی پیش‌بینی شده که علی‌رغم انتقال دادرسی کیفری به کشور مقام رسمی و تعلیق دادرسی کیفری خود،

۱. شورای اروپا کنوانسیون اروپایی ۱۹۷۲ در مورد انتقال دادرسی در امور کیفری را تصویب کرد. این کنوانسیون در ماده ۲۱ به انتقال دادرسی اشاره دارد. ماده ۲۱ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرائم سازمان‌یافته فراملی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

New York, 15 November 2000, United Nation, Treaty Series, Vol. 2225, No. 39574, at 209.

2. ICJ Reports 2000, op.cit. at 25–26.

3. Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft, (1970), Vol. 860, No. 12325, at 105.

4. Official Records of the General Assembly, No. 10, A/69/10.

5. Seventy-fourth Session, No. 10, A/74/10.

می‌تواند در صورتی که دولت مقام رسمی رسیدگی کیفری را انجام ندهد و مسئولیت کیفری مقام رسمی صورت نپذیرد، آن را مجدد از سر بگیرد.

در نهایت طی پیش‌نویس ماده ۱۶ این حق را به رسمیت می‌شناسد مقامات کشوری که در حال اعمال صلاحیت قضایی بر مقام کشور دیگری هستند، باید با آن مقام رفتار عادلانه و منصفانه داشته باشند؛ بنابراین کمیسیون معتقد است مقامات کشور مقرر دادگاه در رابطه با «یک مقام یک کشور دیگر ... باید رفتار منصفانه، از جمله محاکمه عادلانه و حمایت کامل از حقوق و تضمین‌های رویه‌ای او تضمین شود». این ماده شامل تمام حقوق و تضمین‌هایی است که هر فرد در رابطه با هرگونه اقدامی که مقامات کشور مقرر دادگاه علیه او انجام می‌دهند، برخوردار است. از جمله، حقوق مربوط به آزادی شخصی یا محرومیت از آن و مؤلفه‌های مختلف حق دسترسی به دادگاه‌ها و حق محاکمه عادلانه از جمله حق متهم به جرم برای مطلع شدن از اتهامات علیه خود است. معیار «حمایت کامل از حقوق و ضمانت‌های رویه‌ای» دربردارنده اجزای مختلف حق کمک کنسولی است که در ماده ۳۶ کنوانسیون وین ۱۹۶۳ در مورد روابط کنسولی به رسمیت شناخته شده است.

کمیسیون حقوق هر مقامی که در زندان، توقیف یا بازداشت در کشور محل برگزاری دادگاه به سر می‌برد را برشمرد:

الف- بدون تأخیر با نزدیک‌ترین نماینده مناسب کشور مقام رسمی ارتباط برقرار کند؛

ب- توسط نماینده آن کشور بازدید شود؛

پ- بدون تأخیر از حقوق خود طبق این بند مطلع شود.

کمیسیون مقرر نمود حقوق مذکور در بند ۲ مطابق با قوانین و مقررات کشور محل برگزاری دادگاه اعمال خواهد شد، مشروط بر این که قوانین و مقررات مذکور امکان اجرای کامل اهدافی را که حقوق مذکور در بند ۲ برای آن منظور شده است را فراهم کند.^۱

۱. عبارت فوق پیش‌نویس ماده ۱۱ طرح مواد راجع به پیشگیری و مجازات جنایات علیه بشریت را بازآفرینی می‌کند که به‌نوبه خود بر اساس بند ۲ ماده ۳۶ کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی است.

نتیجه گیری

با توجه به نقشی که دیوان بین الملل دادگستری در احراز و شناسایی قواعد عرف حقوق بین الملل دارد، در آرای متعددی یادآور شد، کشورها خواه صلاحیت دیوان را پذیرفته باشند یا نه، موظف به رعایت تعهدات خود نسبت به اجرای حقوق بین الملل هستند و با هیچ توجیهی نمی توانند از زیر بار مسئولیت فرار کنند. بدین ترتیب، مصونیت مقامات از اعمال صلاحیت محاکم خارجی به معنای بهره مندی آنها از بی کیفری نیست و صرفاً تعقیب و محاکمه را برای یک بازه زمانی معین یا برای جرائم مشخصی مانع می شود ولی نمی تواند شخص را به طور کلی از مسئولیت کیفری مبرا کند. از این رو دیوان کشورها را به گسترش صلاحیت خود در تعقیب و محاکمه مرتکبین جنایات بین المللی مکلف نمود و به این نتیجه رسید که کلیه دولت های طرف عهدنامه دارای نفع مشترک جهانی در اجرای تعهدات نسبت به سایر دولت های طرف عهدنامه هستند. دیوان معتقد است این تعهدات را می توان «تعهدات عام الشمول» در قبال سایر دولت ها توصیف کرد که مؤید نفع مشترک دولت ها در اجرای تعهدات در هر قضیه خاص است. لذا هر دولتی که متهم در قلمروش حضور دارد متعهد به تعقیب و محاکمه است. زیرا دیوان معتقد است دولت ها در موضوع تعقیب دارای تعهد بین المللی هستند که نقض آن عمل متخلفانه بین المللی و موجب مسئولیت بین المللی دولت خواهد شد. در حالی که استرداد اختیاری است که عهدنامه به دولت ها اعطا کرده است که در صورت عدم تعقیب، متهم را به مقامات صلاحیت دار مسترد نمایند.

دیوان طبق حقوق بین الملل معیارهایی را در اعمال صلاحیت بر مقام رسمی اعلام نمود. یک معیار، محاکمه مقام رسمی یا سلب مصونیت توسط کشور فرستنده که راه حل موثری نمی باشد زیرا کشورها معمولاً تمایلی در اعمال صلاحیت قضایی برای رسیدگی به جرائم نمایندگان خود ندارند. معیار دیگر، محاکم کیفری بین المللی است. با توجه به دستور بازداشت ولادمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، و برخی مقامات ارشد او به اتهام اخراج غیرقانونی کودکان و انتقال غیرقانونی افراد از خاک اوکراین به روسیه، بازداشت و تسلیم پوتین به عنوان رئیس جمهور کشور غیر عضو به دیوان کیفری بین المللی با دشواری هایی

همراه خواهد شد. از سوی دیگر، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی کریم‌خان، تقاضای صدور قرار جلب نخست وزیر و وزیر جنگ اسرائیل را از شعبه اول پیش‌دادرسی نمود ولی باید دید که آیا می‌تواند اجرای این قرار را از دولت‌ها بخواهد یا به سرنوشت پرونده قضیه عمرالبشیر دچار خواهد شد که محل تأمل جدی است؛ معیار نهایی، پس از پایان سمت رسمی مقام است که می‌تواند برای کشور صلاحیت‌دار در نظر گرفته شود. این معیاری است که کمیسیون حقوق بین‌الملل برای اعمال محدودیت بر مقامات مرتکب جنایات بین‌المللی در نظر گرفت. لذا رویه قضایی بستری شد تا کمیسیون مسئله مصونیت سران از اعمال صلاحیت کیفری را توسعه و تدوین نماید.

هدف کمیسیون از پیش‌نویس مواد طرح، ضرورت برقراری توازن میان تساوی حاکمیتی دولت‌ها و ضرورت ثبات در روابط بین‌المللی از یک‌طرف و نفع کلی جامعه بین‌المللی از حیث پیشگیری و مجازات خطرناک‌ترین جنایات موضوع حقوق بین‌الملل است. کمیسیون با تفکیک مصونیت شخصی از مادی، صراحتاً اعلام کرد ارتکاب جنایات بین‌المللی به منزله اعمال و وظایف رسمی این مقامات شناخته نمی‌شوند؛ زیرا جنایات سنگین ارزش‌ها و اصول شناخته‌شده توسط جامعه بین‌المللی را تضعیف می‌کند. از این رو روسای کشور در موارد ارتکاب جنایات «جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، جنایت آپارتاید، شکنجه، ناپدید شدن اجباری» طبق قوانین بین‌المللی از مصونیت مادی برخوردار نخواهد شد (پیش‌نویس ماده ۷). به این معنی که این اشخاص پس از پایان سمت رسمی، قابل تعقیب و محاکمه در محاکم کشور ذیصلاح در موارد ارتکاب جرائم فوق خواهند بود. کمیسیون معتقد است، ممنوعیت این جنایات ماهیتی عرفی دارد و ارتکاب آن‌ها نقض هنجارهای آمره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

بنابر دیدگاه منتسکیو، همانطور که قانون مصونیت‌ها مانند یک آینه، جزئی‌ترین جزئیات را منعکس می‌کند؛ ساختار، درجه و توسعه نظم حقوقی بین‌الملل را وسیع می‌نماید و مانند ذره‌بین، تردیدها و ناهماهنگی‌ها را تشدید می‌کند. لذا مصونیت‌ها باید با جامعه بین‌المللی که در آن اعمال می‌شود مطابقت داشته باشد و با سرعت خودش تکامل یابد یا محدود شود.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Seyedeh Parisa Mirabi



<https://orcid.org/0000-0002-8704-0114>

Masoud Raei



<https://orcid.org/0000-0002-0494-5058>

Alireza Ansari Mahyari



<https://orcid.org/0000-0003-2646-317X>

منابع

کتاب‌ها

- تسون، فرناندو، *فلسفه حقوق بین‌الملل*، ترجمه محسن محبی (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۴).
- حلمی، نصرالله، *مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵).
- دیهیم، علیرضا، *حقوق دیپلماتیک در تئوری و در عمل*؛ جلد اول (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۹).
- دیهیم، علیرضا، *حقوق دیپلماتیک در تئوری و در عمل: حقوق دیپلماتیک در گذر زمان*، جلد دوم (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۴۰۱).
- میرمحمدصادقی، حسین، *دادگاه کیفری بین‌المللی* (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۵).
- کیتی چایساری، کریانگ ساک، *حقوق کیفری بین‌المللی*، ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۷).

مقاله‌ها

- آجلی لاهیجی، مهشید، حسینی آزاد، سید علی و زحمتکش، مجید، «تقابل مصونیت و مسئولیت ناشی از نقض قاعده آمره در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، فصلنامه علمی پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۴، شماره ۷۷، (۱۴۰۱).
- سید اشرفی، میر مصطفی، محبی، محسن، هنجنی، سید علی و نیاورانی، صابر، «مصونیت مقامات رسمی نزد محاکم خارجی در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۴۵، شماره ۸۹، (۱۳۹۹).

- صالحی مازندرانی، محمد و بافهم، محمد، «مصونیت دولت در قبال اعمال زیان بار حاکمیتی»، نشریه علمی دانش حقوق مدنی سال نهم، شماره ۲، پیاپی ۸۱ (۱۳۹۹).
- دیهیم، علیرضا، «مصونیت قضایی و مسئولیت بین المللی مقامات مهم دولت‌ها»، فصلنامه علمی راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۳، پیاپی ۷۶ (۱۳۹۴).
- رضائی قوام‌آبادی، حسین، «مسئولیت بین المللی ناشی از نقض تعهد به استرداد یا محاکمه در پرتو رای دیوان بین المللی دادگستری در دعوی بلژیک علیه سنگال»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۴، شماره ۸ (۱۳۹۵).
- کدخدایی، عباسعلی و محمدی، محمدرضا، «سوءاستفاده از حق و فرایند در پرتو رویه دیوان بین المللی دادگستری»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، آماده انتشار، (۱۴۰۲).
- میرابی، سیده پریسا، راعی، مسعود و انصاری مهبیاری، علیرضا، «محاکمه روسای کشورها پس از پایان سمت رسمی در پرتو طرح کمیسیون حقوق بین الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۵، شماره ۱، پیاپی ۴۱ (۱۴۰۴).
- ممتاز، جمشید، علیزاده، مسعود و زرنشان، شهرام، «تأملی دوباره بر اصل رضایی بودن صلاحیت در عملکرد دیوان بین المللی دادگستری»، مجله حقوق بین الملل، دوره ۳۳، شماره ۱۵ (۱۳۹۵).

References

Books

- Fox, Hazel & Webb, Philippa, *The Law of State Immunity*, 3ed (Oxford University Press, 2013).
- Sergey Sayapin, "The 'Special Nature of the Crime of Aggression and its Implications for State Immunity'", in: Régis Bismuth and others (eds), *Sovereign Immunity Under Pressure: Norms, Values and Interests* (Cham: Springer Publishing, 2022).

- Denza, Eileen, *Diplomatic Law: Commentary on the Vienna Convention on Diplomatic Relations*, Fourth Edition (Oxford: Oxford University Press, 2016).
- Ernest K. Bankas, *The State Immunity Controversy in International Law: Private Suits against Sovereign States in Domestic Courts* (Heidelberg: Springer Publishing, 2022).
- Ruys, Tom, Angelet, Nicolas & Ferrom, Luca, *The Cambridge Handbook of Immunities and International Law* (Cambridge University Press, 2019).

Articles

- Chile Eboe-Osuji, “International Law Rejects Immunity for International Crimes”, *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 21, No. 3, (2023), pp. 463-501.
- Dapo Akande & Sangeeta Shah, “Immunities of State Officials, International Crimes, and Foreign Domestic Courts”, *European Journal of International Law*, Vol. 21, No. 4, (2011), pp. 815-852.
- Mathias Forteau, “Immunities and International Crimes before the ILC: Looking for Innovative Solutions”, *AJIL Unbound*, Vol. 112, (2018), pp. 192-196.

Cases

- Advisory Opinion International Court of Justice, Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia, South West Africa, Notwithstanding Security Council Resolution 276, (1970), doc 053-19710621-ADV-01-00-EN.

- Affaire Relative au Timor Oriental, (Portugal v. Australia), International Court of Justice (ICJ), 30 June 1995.
- Bosnia and Herzegovina v Serbia, International Court of Justice, 2007.
- Case Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002), Democratic Republic of the Congo v. Rwanda, International Court of Justice (ICJ), 3 February 2006.
- Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), 19 December 2005.
- Case Democratic Republic of the Congo v. Belgium, International Court of Justice (ICJ), (2000).
- Case Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite, Belgium v. Senegal, International Court of Justice (ICJ), 2009.
- Case Immunities and Criminal Proceedings, Equatorial Guinea v. France, International Court of Justice (ICJ), 6 June 2018.
- Case Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro, international court of justice (ICJ) , 26 February 2007.
- Case Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002), Democratic Republic of the Congo v. Rwanda, International Court of Justice (ICJ), 3 February 2006.
- Case concerning the Arrest Warrant, Democratic Republic of the Congo v. Belgium, International Court of Justice (ICJ), 2002.
- Case “Equatorial Guinea v. France”, International Court of Justice (ICJ), 15 June 2018.

- Case "Immunities and Criminal Proceedings", (Equatorial Guinea v. France), International Court of Justice (ICJ), (11 December 2020).
- Human Rights Watch, Chile - When Tyrants Tremble: the Pinochet Case, (1999). B1101. available at: [https:// www. refworld. org/ docid/ 3ae6a84d8.html](https://www.refworld.org/docid/3ae6a84d8.html)

Documents

- Draft on Immunity of State Officials from Foreign Criminal Jurisdiction: A Reflection on the Role of International Criminal Law, International Law Commission (ILC), 2017.
- Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft, 1970: Vol. 860, No. 12325.
- Convention on Special Missions, UN, General Assembly, New York, 8 December 1969, vol.1400, No. 23431.
- Official Records of the General Assembly, No. 10, A/69/10.
- Official Records of the General Assembly, Fifty-sixth Session, Supplement No 10 (A/56/10), Special Rapporteur's Fourth Report on State Responsibility, ILC's Draft Articles on State Responsibility adopted by the International Law Commission, 31 March 2001 (A/CN.4/517).
- Immunity of State Officials from Foreign Criminal Jurisdiction, International Law Commission (ILC), A/77/10/2022.
- Implementation by States of the Provisions of the Vienna Convention on Diplomatic Relations of 1961. UN General Assembly, 19 December 1978.

- Special Reporter Ms. Hernandez in the Report of the Commission in the Meeting of the Sixth Committee, International Law Commission (ILC), GA/L/3672.2022.
- Second Report on State Responsibility 1998, International Law Commission (ILC).
- Vienna Convention on the Representation of States in their Relations with International Organizations of a Universal Character, UN, General Assembly, 1975.
- Yearbook, International Law Commission, 1950, Vol. II, document A/1316: 374.

In Persian

Books

- Tesón, Fernando, *Philosophy of International Law*, Translated by Mohsen Mohebbi (Tehran: Shahr-e Danesh, 2015). [In Persian]
- Helmi, Nasrollah, *International Responsibility of the State and Diplomatic Protection* (Tehran: Mizan Publication, 2016). [In Persian]
- Deihim, Alireza, *Diplomatic Law in Theory and Practice*; Vol. 1 (Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publication, Center for Political and International Studies, 2020). [In Persian]
- Deihim, Alireza, *Diplomatic Law in Theory and Practice: Diplomatic Law over Time*; Vol. 2 (Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publication, Center for Political and International Studies, 2022). [In Persian]
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, *International Criminal Court* (Tehran: Dadgostar Publication, 2016). [In Persian]

- Kittichaisaree, Kriangsak, *International Criminal Law*, Translated by Hossein Aghaei Jannat-makan (Tehran: Jangal Publication, 2018). [In Persian]

Articles

- Ajali Lahiji, Mahshid, Hosseini Azad, Seyed Ali & Zahmatkesh, Majid, "The Conflict between Immunity and Responsibility Arising from Violation of Jus Cogens in the Jurisprudence of the International Court of Justice", *Public Law Research*, Vol. 24, No. 77, (2022). [In Persian]
- Seyed Ashrafi, Mir Mostafa, Mohebbi, Mohsen, Hanjani, Seyed Ali & Niavarani, Saber, "Immunity of State Officials from Foreign Criminal Jurisdiction in the ILC Draft Articles", *Journal of Judicial Law Views*, Vol. 45, No. 89, (2020). [In Persian]
- Salehi Mazandarani, Mohammad & Ba-fahm, Mohammad, "State Immunity for Harmful Acts of Sovereignty", *Civil Law Knowledge*, Vol. 9, No. 2, No. 81, (2020). [In Persian]
- Deihim, Alireza, "Judicial Immunity and International Responsibility of High-ranking State Officials", *Rahbord*, Vol. 24, No. 3, No. 76, (2015). [In Persian]
- Ramezani Ghavamabadi, Hossein, "International Responsibility Arising from the Breach of the Obligation to Extradite or Prosecute in Light of the ICJ Judgment in Belgium v. Senegal", *Journal of Criminal Law and Criminology Research*, Vol. 4, No. 8, (2016). [In Persian]
- Kadkhodaei, Abbasali & Mohammadi, Mohammad Reza, "Abuse of Right and Process in Light of the International Court of Justice Jurisprudence", *Public Law Research*, Forthcoming, (2023). [In Persian]

- Mirabi, Seyedeh Parisa, Raei, Masoud & Ansari Mahyari, Alireza, “The Trial of Heads of State after the End of Official Term in the Light of the ILC Draft Articles”, Public Law Studies Quarterly, Vol. 55, No. 1, No. 41, (2025). [In Persian]
- Momtaz, Djamchid, Alizadeh, Masoud & Zarneshan, Shahram, “Revisiting the Principle of Consensual Jurisdiction in the Performance of the International Court of Justice”, International Law Review, Vol. 33, No. 15, (2016). [In Persian]

استناد به این مقاله: میرابی، سیده پریسا، راعی، مسعود و انصاری مهبیاری، علی رضا، «مصونیت مقامات در آرای قضایی بین‌المللی و طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۷، شماره ۹۰، (۱۴۰۵)، ۱۸۷-۲۲۸.

Doi: 10.22054/QJPL.2025.82607.3051



The Quarterly Journal of Public Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License